

Imam Musa Sadr's critical view on The decline of the dignity of motherhood of a woman in the western materialistic civilization

Ali Ahmedpour *

Received on: 30/01/2024

Accepted on: 20/07/2024

Abstract

Purpose: The purpose of writing this article, which is done with a descriptive-analytical method, is Imam Musa Sadr's critical view of the decline of maternal dignity in the materialistic thinking of the West; Because in the position and position of mother, the type of civilization and worldview and attitude have a great impact. Three important issues are noteworthy in Sadr's works: First, he criticizes Western civilization in detail. The second issue is that the desired civilization of Sadr is based on religious teachings. His interpretation of the desired civilization is "religious and eastern civilization", which is different and distinct from the western civilization in terms of themes and content. The third point is that the agent of civilization is the human being who moves towards civilization with his own will.

Methodology: The research method in this article is descriptive-analytical and critical, in which, by using the method of document study, the foundations and intellectual system of Imam Musa Sadr and Western civilization were first discussed, then by referring to opinions, opinions, writings and speeches. Imam Musa Sadr, the position and status of women as mothers in Islamic and Western civilizations have been investigated, explained and criticized.

Findings: Looking at the motherly role of a woman, which until now was considered a family role, is one of the innovations of Imam Musa Sadr as a basic strategy for building society. According to him, the societies that have suffered from intergenerational emotional breakdowns and have been attacked by moral crises have been deprived of "maternal sense" and maternal affection.

* . Associate professor, Department of Islamic Studies, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. (Corresponding Author).
ali.ahmadpour@uma.ac.ir

In these societies, some have tried to replace this deprivation, to buy a sense of motherhood for them, and by hiring servants or institutions or nannies, to replace the sense of ceremonial motherhood. The historical root of the "commercialization" of the mother's position and the formation of "various companies" to replace the mother in the family is another issue that has received Sadr's attention. It should be noted that the deprivation of the family and society from the status of women and mothers is a great challenge of human material civilization. Sadr also points to the consequence of commercializing motherhood and ritualizing it, and that the new generation, who had little benefit from the sense of motherhood or the sense of motherhood was bought for them, when it was their turn, behaved in the same way for the next generations and There was no longer any hopeless service, God's infinite love, and deep and unbreakable affection. The maelstrom of material life drowns even the parents of the past generations in its waves, so that the new generation does not know them at all. Because of this, the generations were separated from each other and the emotional and intellectual connection between them was cut and the past and present were separated from each other.

Conclusion: The role of women in the family in the form of mother and maternal affection is actually a step to remove one of the main harms of the new civilization and move towards an ideal civilization, and it is on this basis that it can be said that Sadr has changed the perspective of the transverse relationship between the family and the society. To a longitudinal relationship and explanation of the motherly position of women in the family, in practice, the role of mother has been raised as a pillar of civilization. Depriving the family and society of the real capacity and status of women and mothers and their religious education is a great challenge of human material civilization. Getting rid of this great hardship and challenge that threatens the future of the entire civilization depends on the revival of the role of the mother and her motherly upbringing based on religious and Quranic principles. Therefore, Sadr believes that a woman, as a mother, is the main pillar of the family and society, and the responsibility of consolidating the family and the success of the family institution as a social responsibility rests with the woman.

Keywords: mother, woman, materialistic thinking, maternal dignity, Imam Musa Sadr.

نگاه انتقادی امام موسی صدر به افول منزلت مادری زن در تمدن مادی گرایانه غرب

علی احمدپور *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

چکیده

مادر و مادری هویت و منزلت والایی در آموزه‌های دینی دارد. توجه به نقش مادری زن که یک نقش خانوادگی تلقی می‌شود به‌عنوان یک راهبرد مهم و اساسی برای ساختن مدینه فاضله، از نوآوری‌های امام موسی صدر است. امام موسی صدر از جمله کسانی است که به منزلت مادر به‌عنوان رکن رکین خانواده توجه ویژه‌ای داشته و مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش زن در خانواده را مادری می‌داند که این امر نقش کلیدی در تربیت و سلامت خانواده و جامعه دارد. **هدف** از نگارش این مقاله که با بهره‌گیری از روش **توصیفی-تحلیلی** انجام شده، نگاه نقادانه امام موسی صدر به افول منزلت مادری در تفکر مادی گرایانه غرب است. **یافته‌ها و نتایج** نشان داد که امام موسی صدر معتقد است حفظ منزلت زن و جایگاه مادری، نقش اساسی در قوام و استحکام خانواده و جامعه دارد و لازمه‌ی آن، انجام وظیفه مادری به‌شکل مطلق و نامحدود، کم‌رنگ نکردن بُعد مادرانه و تجاری‌نساختن آن است. اما در دوره‌ی جدید تمدنی و جوامع مادی گرا، مادری کردن به تجارتی تبدیل شده است که با استخدام خدمتکار و دایه، حس مادری تشریفاتی، جایگزین حس مادرانه فطری و واقعی می‌شود.

کلمات کلیدی: مادر، زن، تفکر مادی گرایانه، منزلت مادری، امام موسی صدر.

* . دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول).

بیان مسئله

امام موسی صدر به عنوان متفکر مسلمان، به نهاد خانواده و اهمیت زن در نقش مادر اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و معتقد است که زنان و عاطفه عمیق مادری‌شان در قوام و استحکام این نهاد مقدس نقش اساسی دارد (صدر، ۱۳۹۹، صص ۶۱ و ۲۴۷). بر مبنای دیدگاه صدر، بین خانواده و جامعه رابطه‌ی طولی حاکم است و خانواده بخش مهمی از جامعه، با اجزای آن تعامل داشته و در تحولات اجتماعی، تأثیرگذاری متقابل دارد، تا جایی که وضعیت خانواده در جامعه منعکس می‌شود (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۳۱). درواقع مقام مادری در خانواده، نقش مادری در اجتماع است.

امام موسی صدر با عنایت به مطالبی که ارائه می‌کند، تمدن جدید و جامعه غربی را یک شرکت تجاری بزرگ معرفی می‌کند و خانواده را یک شرکت تجاری کوچک که تحت تأثیر آن شرکت بزرگ قرار گرفته است. ایشان معتقد است خانواده در جامعه غربی، هویت و استقلالش را از دست داده و تحت تأثیر این شرکت تجاری بزرگ، دیگر خانواده نیست. در این جامعه، روابط عاطفی سست و تعامل افراد در آن بی‌روح و کمرنگ و ارتباط آن‌ها بر مبنای منافع مشترک است. در نتیجه تکیه این جامعه به‌طور کامل بر مادیات است و روح، معنویت و عاطفه در آن حاکم نیست. درواقع کارکرد عاطفی خانواده درجایی که یک شرکت سهامی است از بین می‌رود؛ علت واقعی آن هم تکیه بر ماده و مادی‌گری به مثابه پایه تمدن و خارج کردن ماوراءالطبیعه از تأثیر در زندگی است (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۳۵).

زن به عنوان مادر در تمدن مادی‌گرایانه و لذت‌گرایانه، به جای پرداختن به علم، فضیلت‌ها، استعدادها و حس مادری، بیشتر متوجه ابعاد جسمانی‌اش می‌شود. تأثیر تجارت بدن در جامعه، این است که زن دیگران را درگیر خود می‌کند و این خودبه‌خود به تضعیف روابط زناشویی و تحلیل خانواده می‌انجامد، در نتیجه تعهدات زن در جایگاه انسانی‌اش زیر سؤال می‌رود؛ به خاطر اینکه در جایی که زن به تجارت بدن تشویق می‌شود، این جنبه انسانی‌اش را از دست می‌دهد و تبدیل به ابزار جنسی در دست افراد هوسران می‌شود (صدر، ۱۳۹۹، ص ۶۸).

از طرف دیگر، مؤسساتی مانند مهدکودک، پرستارها، دایه‌ها و ... به دلایلی که مادر در خانه حضور ندارد یا نمی‌خواهد تمام وقتش را به مراقبت از فرزندان سپری کند، به محیط خانواده وارد

می‌شوند. با این اتفاق، صفت مطلق مادری یا پدری که برای والدین هست، از بین می‌رود و دیگر یک نفر، مادر نیست و به این شکل حس مادری خریداری می‌شود. محرومیت از والدین در چنین خانواده‌هایی و رهایی و رشد بدون مادر به بی‌مسئولیتی جوانان منجر می‌شود، فرزندان نسبت به والدین، بی‌حرمت، بی‌احساس و بی‌تعهد هستند. رنج و محنت بی‌ایمانی که برای جوان معاصر رقم می‌خورد، به این دلیل است که مادر ایمان به خدا و معنویت را در فرزند رشد می‌دهد و وقتی مادر حضور نداشته باشد، اتفاق نمی‌افتد (صدر، ۱۳۹۹، صص ۲۴۲ و ۲۴۷).

این توطئه‌ی برخی مکاتب مانند فمینیسم و اومانیسم است که در جهت منافع اقتصادی و لذت‌های شخصی خود، این آزادی موردنظرشان را برای زنان فراهم کرده‌اند؛ وقتی معیار فقط زیبایی و جوانی یک زن باشد، عمر زن درواقع تقلیل می‌یابد؛ چون جامعه فقط جوانی و زیبایی او را می‌خواهد، درنتیجه فرصت‌های او برای فکر کردن و برنامه‌ریزی و رشد استعدادها تقلیل می‌یابد؛ چراکه تمام زمانش را به مراقبت از جسم و جوان نگه‌داشتن آن می‌گذراند. حال مسئله این است که مبانی و نگاه تمدن دینی و غربی به جایگاه مادری زن از دیدگاه امام موسی صدر چه چیزهایی هستند و نقد صدر به تمدن غربی در این زمینه چیست؟ برای تبیین مبانی مذکور و دیدگاه امام موسی صدر که برگرفته شده از آموزه‌های دینی است، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش مستقلی در زمینه‌ی موضوع مقاله حاضر، به رشته‌ی تحریر درنیامده است، اما درباره‌ی تمدن غربی از دیدگاه امام موسی صدر، درمجموع مقالات زیر به رشته تحریر درآمده است: لک‌زایی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «چیستی تمدن غرب در آرای امام موسی صدر» و با رویکردی انتقادی به برخی از ویژگی‌های تمدن غربی به صورت کلی پرداخته است. همچنین احمدپور و فتحی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «جایگاه انسان‌شناختی واقع‌گرایانه زن در اسلام و تمدن غرب از دیدگاه امام موسی صدر» انجام داده‌اند که دیدگاه متفاوت اسلام و تمدن غربی نسبت به جایگاه زن را نشان می‌دهد.

پژوهش حاضر با مراجعه به آثار و کتاب‌های امام موسی صدر، از جمله زن و چالش‌های

جامعه، ادیان در خدمت انسان و دین در جهان امروز و... به نقش مادری زن در استحکام بنیان خانواده و جامعه و شکل‌گیری تمدن آرمانی، پرداخته که در سوابق پژوهشی انجام‌شده به این جنبه توجه نشده است.

۲. روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی بهره گرفته‌شده که در آن با استفاده از روش مطالعه اسنادی، ابتدا به مبانی و منظومه‌ی فکری امام موسی صدر و تمدن غربی پرداخته‌شده و سپس با مراجعه به آراء، نظرات، نوشته‌ها و سخنرانی‌های امام موسی صدر، موقعیت و جایگاه زن به‌عنوان مادر در تمدن اسلامی و غربی بررسی، تحلیل و نقد شده است.

۳. چارچوب مفهومی پژوهش

۳-۱. مبانی فکری امام موسی صدر

با توجه به موضوع پژوهش و اهمیت آن، لازم است ابتدا به مهم‌ترین مبانی فکری صدر اشاره کنیم:

۳-۱-۱. اصل آزادی حقیقی

امام موسی صدر برای حفظ کرامت انسانی، به اصل «آزادی حقیقی» اشاره کرده و آن را بدین‌شکل ترسیم می‌کند:

الف. از نظر آزادی انتخاب، انسان با موجودات عینی دیگر، متمایز و متفاوت است؛ یعنی رفتار و اعمال انسان از تعقل و اراده نشئت می‌گیرد.

ب. تأثیرپذیری انسان از طبیعت و موجودات اطراف خود؛

ج. انسان موجودی اجتماعی است که با هم‌نوعان خود تعامل دارد؛

د. انسان مخلوقِ خداوندی است که خالقِ هستی است. همین نسبتِ او با خداوند، دارای ابعادی است که بر انسان و همه‌ی پیوندهای او تأثیرگذار است (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۱۷۲).

بنابراین از دیدگاه صدر، یکی از شاخصه‌های مهم آدمی نسبت به سایر موجودات، آزادی انتخاب اوست و این سبب رشد و شکوفایی هماهنگ استعداد و توانایی‌های انسان و جامعه می‌شود (صدر، ۱۳۹۵ الف، صص ۲۷ و ۲۸). آزادی؛ یعنی خوش‌بینی نسبت به انسان و کرامت او را به رسمیت شناختن و عدم آزادی؛ یعنی بدبینی نسبت به انسان و از ارزش کرامتش کاستن (فرخیان، ۱۳۸۵، ص ۳۲۷). صدر، آزادی حقیقی و واقعی را رهایی از نفس و دوری از شهوات می‌داند و به روایتی از امام علی (ع) استناد می‌کند که شخص آزاده را کسی می‌دانند که از شهوات دوری کند و آنها را ترک نماید (حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۸۸). البته منظور صدر از آزادی، آزادی مطلق نیست؛ بلکه آزادی‌ای که در چارچوب صحیح عقلانی و شرعی قرار دارد و با آزادی افراد دیگر تزاخم نداشته باشد (صدر، ۱۳۹۵ الف، صص ۲۷ و ۲۸).

بنابراین اگر انسان به این تعهد عقلانی پایبند نباشد و آزادی مطلق را سرلوحه‌ی خود قرار دهد؛ جامعه دچار هرج و مرج اخلاقی و فرهنگی خواهد شد که افراد از مسئولیت خویش شانه خالی می‌کنند و سربار زندگی اجتماعی و طفیلی آن می‌شوند... و بدین ترتیب، جامعه‌ای بی‌تعهد و بی‌ارزش تأسیس شده است (صدر، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۱۵۲).

صدر با بدبینی به تمدن امروزی درباره‌ی آزادی ادعایی برای زن، معتقد است که غرب به نام آزادی با ابزارهای گوناگون از زن سوءاستفاده کرده است. وی در این باره می‌گوید:

«اعتقاد ندارم که تمدن امروزی آزادی درستی برای زن به ارمغان آورده باشد؛ زیرا این تمدن اگرچه از آزادی زن سخن گفته، عملاً او را با ابزارهای مختلفی چون تبلیغات، تجارت و جشن‌ها مقید ساخته است و بیشتر تلاش خود را بر رشد بُعد زنانگی او متمرکز کرده و این خود موجب کوتاهی عمر زن و کاهش فرصت‌های او و افزایش قیدوبندهایش شده است. در حقیقت، اگر ما قصد آزادی حقیقی زن را داشته باشیم، در تعالیم دینی نکاتی می‌بینیم که این خواسته را تأمین می‌کند. دین مطلقاً فعالیت زن را در امور مختلف اجتماعی ممنوع نمی‌کند» (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷).

۳-۱-۲. اصل توحید

در اندیشه‌ی صدر، محور و اساس اخلاق، تربیت و خویش‌داری، توحید و ایمان به خداوند

است. بر پایه توحید و ایمان به خداوند و تربیت بر اساس آن انسان می‌تواند به سعادت دنیوی و اخروی دست پیدا کند. صدر معتقد است تمدن جدید کوشید خدا را از اثرگذاری بر زندگی کنار بگذارد و قانون، روابط، اکتشافات علوم و اندیشه‌های فلسفی و فناوری را تنها بر پایه هوش بشری بنا کند. کنار گذاشتن و نادیده گرفتن خداوند باعث شد احساس نگرانی به سراغ انسان آمد؛ زیرا دانش، صنعت، فلسفه، ادب، هنر و هر آنچه ساخته دست بشر است، در حال تکامل است. در نتیجه، ناپایدار و لرزان است. انسان نمی‌تواند بر چیزی که لرزان است تکیه کند. ازاین‌رو، انسان آشفته و نگران است، چون نیازمند تکیه‌زدن بر چیزی است که دل او را آرام کند و به او ثبات بخشد. صدر در این زمینه می‌گوید:

«هرآنچه محصول و دستاورد بشر باشد مثل علم، فلسفه، هنر، صنعت و حقوق، تا زمانی که در حال تکامل باشد، متغیر و متزلزل است و تا زمانی که متزلزل باشد، نمی‌تواند تکیه‌گاه و معبود انسان باشد. انسان در زندگی خود نیازمند ابزار است. این امور نیز ابزارند اما معبود انسان نیستند، زیرا این ابزارها متغیرند، بنابراین، نمی‌توانند پشتوانه و تکیه‌گاه انسان باشند. نوع بشر نیازمند چیزی است که تغییرناپذیر باشد و از او محافظت کند. انسان باید به چیزی تکیه کند که او را در هیچ‌یک از حالاتش رها نکند، تغییر نکند و بتوان بر آن تکیه کرد. این چیز مطلق را نمی‌توان محصول دست بشر دانست. اگر این مطلق دستاورد بشر نباشد و اگر انسان تکیه‌گاهی داشته باشد که در هر زمان و هر موقعیت بر آن تکیه کند، انسان خویشتن را قوی و استوار می‌بیند، به‌طوری‌که در خود نیروی کافی و همیشگی برای حرکت می‌یابد. این همان معنایی است که آیه «لَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» به آن اشاره می‌کند» (صدر، ۱۳۹۸، صص ۱۷ و ۱۸).

۳-۱-۳. اصل کرامت انسان

یکی از مهم‌ترین مبانی فکری صدر، توجه به کرامت ذاتی انسان است. از دیدگاه وی، اساسی‌ترین مسئله در تربیت انسان، هدایت و قراردادن او در مسیری است که کرامت خویش را درک و فهم کند؛ وگرنه، شاید همت و تلاشی جهت تهذیب نفس و اصلاح وضع خود نداشته باشد. فهم و آگاهی آدمی از کرامت و ارزش خویش، جایگاه واقعی، شایسته و بایسته او را تعیین کرده و اهداف والا و متعالی آدمی ترسیم می‌شود (صدر، ۱۳۹۴، ص ۷۲).

نکته مهم درباره‌ی کرامت ذاتی در دیدگاه صدر، منشأ کرامت انسان است که آن مقام، جانشینی و خلیفه‌اللهی اوست که بیانگر قدرت اندیشه، اختیار و آزادی انسان در انتخاب است. به خاطر همین، صدر آزادی را به رسمیت شناختن کرامت انسان و خوش‌گمانی به او و نبود آزادی را بدگمانی به انسان و کاستن کرامت او می‌داند (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۷).

حتی صدر به وضع قوانین و تشریع احکام اسلامی اشاره می‌کند که در آن، اصل کرامت انسانی، اساس انسانیت انسان قرار داده شده است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۸۰). به همین خاطر، چیزی که کرامت انسانی آدمی را خدشه‌دار کند، مذموم و ناشایست است؛ این اصلی عمومی و همگانی است و تفاوتی بین مسلمان و مسیحی در رعایت اصل کرامت و عدالت نیست (صدر، ۱۳۹۱، ص ۲۶).

۲-۳. مبانی فکری مادی‌گرایان

از دیدگاه صدر، تمدن معاصر تمدن مادی‌گراست؛ تمدنی که بر انکار یا نادیده گرفتن خدا استوار است و اساس تمدن آنان ماتریالیسم دیالکتیک است (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۷۴). در اینجا به مقتضای بحث، صرفاً به دو تا از مهم‌ترین مبانی مادی‌گرایان اشاره می‌شود:

۱-۲-۳. فمینیسم

زن‌ستیزی، یکی از تاریکی‌های تمدن بشری است. محروم ساختن زنان از حقوق طبیعی در قوانین اروپایی و زنده‌به‌گور کردن دختران در عصر جاهلیت عربی و ده‌ها انحراف اعتقادی و رفتاری درباره‌ی زنان باعث شد تا یک جریان انحصارگرایی برای دفاع از حقوق زنان با عنوان فمینیسم^۱ شکل یابد. این جریان در دنیای معاصر غرب در قرن نوزدهم به‌عنوان جنبش زنان مطرح گردیده است. فمینیسم یک جریان اجتماعی است که مبنای مهم معرفتی دارد و ریشه در مکاتب دیگری مانند: لیبرالیسم، سوسیالیسم و مارکسیسم داشته است (خسروپناه، ۱۳۹۰، صص ۲۴۱ و ۲۴۳).

با توجه به تعاریف مختلف از فمینیسم، ارائه‌ی تعریف دقیق و مشترک از آن امکان‌پذیر نیست. اما به‌عنوان نمونه به تعریف جورج ریتزر^۲ از فمینیسم اشاره می‌شود. وی می‌نویسد: نظریه فمینیستی یک رشته پژوهش درباره زنان است که به‌طور ضمنی یا رسمی، نظام فکری گسترده و عامی را

1 . Feminism

2 . George Ritzer

درباره ویژگی‌های بنیادی زندگی اجتماعی و تجربه انسانی از چشم‌انداز یک زن ارائه می‌دهد و موقعیت و تجربه‌های زنان در جامعه را بررسی می‌کند و مدعی است که می‌تواند جهان بهتری برای زنان بسازد (ریترز، ۱۳۸۷، ص ۶۴۰).

فمینیسم با گرایش‌های گوناگون، مبتنی بر مبانی غیردینی و یا ضد دینی مانند سکولاریسم، اومانیزم و اصالت خرد بشری در برابر وحی‌گرایی به وجود آمده است. مری آستیل^۱ یکی از مؤسسان فمینیسم با همین مبانی و با رویکرد لیبرالیسم و اصالت فرد به ترویج جریان زن‌گرایی پرداخت. تشابه و یکنواختی کامل زن و مرد یکی از آسیب‌های جدی است که برخی فلاسفه تجربه‌گرای غرب مانند: جان استوارت میل^۲ بر آن دامن زدند. دستاورد این یکنواخت سازی میان زن و مرد، نادیده انگاشتن نهاد خانواده و اخلاق است که برخی فمینیست‌ها مانند سیمون دوبووار^۳ بر آن تأکید داشت و می‌گفت: آنچه زن را در قید بندگی نگاه می‌دارد، دو نهاد «ازدواج» و «مادری» است. وی به شدت با نظام خانواده به‌عنوان رکن اجتماعی و رشد و بالندگی انسان مقابله می‌کند و ازدواج را نوعی فحشای عمومی و عامل بدبختی زنان می‌شمارد (خسروپناه، ۱۳۹۰، صص ۲۴۱ و ۲۴۴).

گسترش فمینیسم در غرب به معنای آزادی زن از مادری و کارکرد آن است. مادر یکی از ارکان نظام خانواده است که با حذف آن، خانواده حذف می‌شود. نقش ممتاز زن در خانواده در قالب مادری و همچنین ویژگی‌ها و خصلت‌های ویژه‌اش در نقش همسری نیز برای وی شخصیتی حقوقی (دارای وظایف و حقوق ویژه) ایجاد کرده است. از نظر اسلام استقلال زن در جایگاه یک انسان بدین‌گونه است که تمام وجود او در خانواده و اجتماع ذوب نمی‌شود، ولی درعین حال تعهداتی در مقابل خانواده و اجتماع بر عهده دارد. از سوی دیگر زن و مرد هیچ‌کدام فقط جسم و ابعاد جسمانی نیستند، بلکه حقیقتی به نام روح دارند؛ و این دقیقاً برخلاف آموزه‌های فمینیستی است. فمینیسم که از تفکر ماده‌گرایی بعد از رنسانس نشئت گرفته است، به‌جز جنبه‌های مادی برای زن، زاویه دیگری نمی‌بیند. مهم‌ترین عاملی که بین افراد خانواده، رأفت، گذشت و ایثار ایجاد می‌کند، تجلی روح مادر در بین اعضای خانواده است. اساس خانواده که بر مهر و وفا و پیوند پی‌ریزی شده است، بر عهده‌ی مادر است (خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۲۶۰).

1 . Mary Astell

2 . John Stuart Mill

3 . Simon de Beauvoir

از نگاه صدر، مادر به عنوان یکی از ارکان خانواده در امر تربیت سهم مؤثری دارد و میل مادری او امری فطری و ذاتی است، بر پایه شخصیت مادر است که بینش راهبردی و عواطف اصیل کودک و مفهوم هر چیز در طبیعت و فراتر از آن برای او شکل می‌گیرد (صدر، ۱۳۹۹، صص ۱۵۹ و ۱۶۱). تربیت حقیقی، ارتباط مستقیم با خالق دارد و بر حسب آموزش‌های الهی است و انسان جز با تربیت دینی و اخلاقی توسط مربی از جمله مادر نمی‌تواند انسانیت خود را شکوفا کند.

اما متأسفانه امروزه مکاتبی مانند اومانیسم و فمینیسم، مادری را یک نوعی محدود کردن توانایی‌ها یا عقب‌گرد تعبیر و تلقی کرده و خدمت به خانواده می‌دانند. اما چیزی که از آن غفلت شده، میل به مادری کردن زن است که او آن را، در وجود خویش کاملاً احساس می‌کند. از جمله اهداف فمینیسم، برچیدن آرمان مادر فداکار بوده است و در نتیجه، به گونه‌ای تصورناپذیر به زنان برای مادری کردن حق انتخاب داد و علاقه به مراقبت از فرزندان، در معرض چالش‌های جدیدی قرار گرفت (دمارنف، ۱۳۸۹، صص ۱۷ و ۱۸).

برخی فمینیست‌ها مادری کردن را بار سنگینی بر دوش زنان می‌دانند که امری ساخته اجتماع است بدون اینکه امری فطری باشد و خواستار از بین بردن نقش مادری هستند (فریدمن، ۱۳۸۱، صص ۱۱۰). هدف آنان تنزل جایگاه مادری، بلکه انکار مادری هستند و آن را برای زنان به عنوان خطری مهم تلقی می‌کنند؛ چون معتقدند مقام مادری، زنان را در جایگاه پایین‌تری نسبت به مردان قرار می‌دهد (صادقی فسائی، ۱۳۸۴، صص ۲۴-۲۵). عده‌ای با این نگرش و بینش مادی، مقام مادری را تنزل می‌دهند و تصور می‌کنند مراقبت و تربیت مادر در خانواده به حال اجتماع مفید نیست؛ یعنی نه تنها مهر و محبت و عاطفه مادرانه را نادیده می‌انگارند، بلکه ملاک و معیار ارزش کار و وظایف زنان و مادران را نیز امری مادی می‌دانند.

اما از نگاه صدر، نقش مادر در ساختن فرد و جامعه اساسی است. از نظر ایشان جوامعی که به رنج گسست‌های عاطفی میان‌نسلی دچار آمده‌اند و بحران‌های اخلاقی آنها را مورد هجوم قرار داده است از «حس مادری» و «عاطفه مادری» محروم بوده‌اند (صدر، ۱۳۹۹، صص ۶۱ و ۲۴۸). بنابراین اصلی‌ترین نقش زن در خانواده مادری است و عاطفه نامحدود مادری و تقویت تربیت خانوادگی و پشتیبانی از آن به عنوان دو ویژگی مهم مادری، تفسیرکننده نقش اجتماعی زن است. به همین جهت مادر و مادری کردن اساس شکل‌گیری هویت خانواده است (افشار طهرانی و علیپور، ۱۳۹۸، صص ۱۵۳).

۳-۲. انسان‌گرایی (اومانیزم)

اومانیزم یا انسان‌گرایی در کاربردی عام به معنای نظامی فلسفی است که هسته مرکزی آن، جانبداری از آزادی و حیثیت انسانی است (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۰۹). سخن معروف پروتاگوراس^۱ که «انسان مقیاس همه چیزهاست»، از سنگ‌بناهای این تفکر به شمار می‌آید. در تاریخ بشری، اصالت‌بخشی به انسان و تأکید بر پاسداشت مقام انسانی درجات گوناگونی داشته است؛ گاه به نفی و انکار خدا انجامیده و گاه با خدا باوری و دین‌گرایی کنار آمده است. افرادی مثل آگوست کنت^۲، بر این باور بود که به جای خدا یا هر موجود ناشناخته دیگر، باید انسانیت را در سرلوحه امور خود بنشانیم و از این راه، جامعه را به سرمنزل مقصود برسانیم. بنابراین اومانیزم با درجات گوناگونی که دارد بر توانایی‌ها و شایستگی‌های انسان تأکید می‌ورزد و توجه به ماورای طبیعت را مردود یا کمرنگ می‌سازند (یوسفیان، ۱۳۹۰، صص ۳۲۲-۳۲۰). و عقل خودبنیاد را چراغ راه خود قرار داد. در سایه همین سیطره تفکر انسان‌گرایی، مبانی تربیتی جدیدی تدارک دیده می‌شود که طبق آن انسان تک‌ساحتی ماده‌گرا از آموزه‌های فضیلت‌گرای جمع‌محور دینی فاصله می‌گیرد (میرزازاده، ۱۴۰۳، ص ۲۹۲).

از دیدگاه صدر، انسان معاصر مادی‌گرا به معبود «مصلحت» و «نفس» اعتقاد و ایمان دارد که مصداق آیه «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ؛ بوده و نوعی کفر به خداوند متعال محسوب می‌شود؛ خداوندی که سرآمد تمامی ارزش‌ها و خالق الگوهای آرمانی و برتر است. نفس خود را مقدس‌ترین موجود در نزد خود قرار داده و با دیگران بر اساس این ایمان پست خود پیوند برقرار کرده است؛ به گونه‌ای که برای او هیچ دوستی یا دشمنی و عدل و انصافی جز مصلحت معنا ندارد. با دیگران بر طبق منافع و مصالح مشترک ارتباط برقرار می‌کند. بخاطر همین، همه‌ی دستاوردهای انسان معاصر محدود به خودمحوری است. انسان امروزی از حق مطلق دور شده و به حق نسبی ایمان آورده و از چارچوب عدالت، حقیقت و محبت خارج شده است. حق نسبی هم از محدوده «من» فراتر نمی‌رود (صدر، ۱۳۹۸، ص ۱۱۳).

خویشتن‌خواهی یا حبّ ذات که منشأ کمال‌خواهی آدمی است، زمانی مشکل‌آفرین است که به

۱. از سوفسطائیان نامدار یونان باستان می‌باشد.

خودپرستی تبدیل شود. و با انتقال خودپرستی به جامعه، خودخواهی خانوادگی، فرقه‌ای، مذهبی و ملی‌گرایانه ظاهر می‌شود که در این صورت، ارزش‌های وحیانی به ارزش‌های زمینی و به ابزار سوداگری و سودآوری و وطن‌دوستی نیز به نژادپرستی مبدل خواهند شد (صدر، ۱۳۹۸، ص ۷۰). از دیدگاه صدر، دین برای انسان و هدایت او آمده است و مخالف خودخواهی بشر است ولی در مکتب اومانیسم، انسان‌محور بوده و تمام کنش و واکنش‌ها با خواست و میل او پیش می‌رود. ولی در ادیان آسمانی، انسان مخاطب بوده و فراتر از زندگی دنیوی و جاودانه است.

۴. ویژگی‌های تمدن دینی و غربی از دیدگاه صدر

برای آشکار شدن ابعاد بحث لازم است به دیدگاه امام موسی صدر در بحث تمدن پرداخته شود؛ چون در جایگاه و مقام مادری، نوع تمدن و جهانبینی و نگرش، تأثیر بسزایی دارد. سه موضوع مهم در آثار صدر قابل توجه است: اول اینکه به تفصیل به نقد تمدن غرب می‌پردازد. موضوع دوم هم این است که تمدن موردنظر صدر مبتنی بر آموزه‌های دینی است. تعبیر وی از تمدن موردنظر خود «تمدن دینی و شرقی» است که با تمدن غربی از نظر مضامین و محتوا متفاوت و متمایز است. نکته‌ی سوم هم اینکه کارگزار تمدن، خود انسان است که با اراده و اختیار خود به سمت تمدن‌سازی حرکت می‌کند.

۴-۱. ویژگی‌های تمدن دینی و الهی

امام موسی صدر به ظرفیت دین در تمدن‌سازی، اعتقاد قلبی و عمیقی داشت؛ یعنی انسان را عامل تمدن‌ساز و دین را روح تمدن و واجد ظرفیت لازم برای تأسیس و احیای تمدن نوین اسلامی می‌دانست. نگاه آموزه‌های دینی، یک نگاه جامع و ترکیبی به نیازهای انسان است که همزمان به نیازهای مادی و معنوی انسان توجه دارد. از نظر صدر نقش دین بسیار گسترده دیده می‌شود و از نظر ایشان «دین یعنی تلاش برای از نو ساختن انسان» است (صدر، ۱۳۹۵، ص ۱۴۶). تربیت انسان با بهره‌گیری از اراده، قدرت و توان انتخاب‌گری او می‌تواند نقطه آغاز حرکت به سمت تمدن باشد.

در تبیین ظرفیت اسلام برای تمدن‌سازی، «قرآن‌محوری» از ارکان اندیشه تمدنی امام موسی صدر است که تمسک به قرآن و فهم نو از آن نقش مهمی در تکوین تمدن از منظر صدر دارد.

ایشان قرآن را منبعی غنی برای استخراج احکام، اخلاق و الگوی رفتارهای فردی و اجتماعی در تمدن‌سازی می‌دانستند و معتقد بودند که قرآن، تمدن‌ها را بنا می‌نهد و فرهنگ‌ها را تأسیس می‌کند.

از دیدگاه صدر، موضوع این تمدن، غایت و هدف آن، انسان با تمام جوانبش است؛ یعنی مثل برخی از تمدن‌ها نیست که صرفاً بر یکی از ساحت‌های وجود آدمی مانند بُعد روحی اهمیت داده می‌شود، یا در برخی دیگر فقط بر بُعد جسمانی انسان تأکید می‌شود. همچنین، منظور از تمدن موردنظر صدر، گروه خاصی از انسان‌ها نیست، بلکه ناظر به همه‌ی انسان‌هاست، نه فقط فرد یا جامعه کنونی. موضوع این تمدن، انسان با جمیع روابط اوست: «رابطه او با خدا» و «با انسان‌های دیگر» و با «نظام هستی». انسانی که موضوع این تمدن است، مخلوق خداوند است و جانشین او بر روی زمین است. او می‌تواند از راه علم و با پیمودن خطوط کلی‌ای که برای او ترسیم‌شده، آزادانه، نه از روی جبر، نیروهای طبیعی را مغلوب کند و به خدمت خویش درآورد. در همین زمینه صدر می‌گوید:

«مسیر کلی‌ای که در این تمدن برای انسان ترسیم‌شده، این است که با موهبت‌های الهی خویش، در پی رسیدن به جهان آخرت باشد و در عین حال، بهره خود را از این عالم فراموش نکند. لذا آرمان این انسان متمدن بالاتر از گردآوری مال یا به دست آوردن بزرگی و مجد و کسب آسایش و راحتی است. این انسان در حرکت دائم و همیشگی به سوی هدف قرار دارد. انسان در این راه، هر جا که باشد، با خداست و در حیات مادی و معنوی خود طالب خشنودی خداوند است؛ همان چیزی که سعادت جاودانه را در دو عالم برای او به ارمغان می‌آورد. این انسان در هستی‌ای قرار دارد که سراسر آن محراب‌هایی بزرگ برای سجود و تسبیح و نماز و راز و نیاز در پیشگاه خداوند است» (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۷۱).

بنابراین تمدن دینی از نگاه صدر به اندیشه‌ی انتزاعی درباره‌ی خدا اکتفا نمی‌کند. بلکه تمدنی است که به وجود خداوند و به آثار عمیق او در زندگی انسان اقرار می‌کند، یعنی اینکه خدا در نهاد، در دل انسان و از رگ گردن به او نزدیک‌تر است. این همان تفسیر کلی از جهان هستی است که یکی از ارکان تمدن دینی را تشکیل می‌دهد.

۴-۲. ویژگی‌های تمدن مادی‌گرا

از نظر صدر، تمدن معاصر با همه‌ی انواع شرقی و غربی‌اش، تمدن مادی‌گراست که همه‌ی

جهان را به تسخیر خود درآورده و اساس تمدن آنان ماتریالیسم دیالکتیک و بر انکار خدا استوار است. البته، تمدن غربی خدا را نفی نمی‌کند، اما بر اساس نادیده گرفتن خدا و بی‌تأثیر دانستن ماورای طبیعت در زندگی بشر پی‌ریزی شده است. از دیدگاه صدر تمدن غربی که تلاش می‌کند خدا را از صحنه زندگی انسان دور کند، بنیانگذاران آن، خود را سکولاریست و مکتبشان را سکولاریسم نامیده‌اند. قرآن هم این نوع تمدن و ریشه آن را تمدن یهودی می‌داند و می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يُدَاهِلُ اللَّهُ مَعْلُومَةً غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا...» (مائده / ۶۴-۶۶). عبارت «دست خدا بسته است» در آیه فوق؛ به این معنی است که خداوند فقط پدیدآورنده عالم هستی است، ولی به‌هیچ‌وجه در اداره، تحول و حاکمیت جهان نقش و دخالتی ندارد.

با نگاهی به عبارت قرآنی فوق، می‌توان نتیجه گرفت که ریشه‌های ایجاد تمدن مادی‌گرا به یهودیان منحرف می‌رسد که در ریشه‌ها و اصولش، از استدلال‌های پنهان یهودیان تأثیر گرفته است اما برخلاف آنچه شایع است هرگز تمدنی مسیحی نیست. امام موسی صدر در این زمینه می‌گوید:

«رشد و توسعه تمدن معاصر با کناره‌گیری و دوری مؤسسان و بنیان‌گذاران آن از تمدن مسیحی آغاز شد. آنان از دین و به‌خصوص، از مسیحیت و مبلغان آن رو برتافتند و با ایشان مبارزه کردند. بنابراین، تمدن مادی‌گرای غرب به‌هیچ‌وجه بر اساس و اصول و پایه‌های مسیحیت ایجاد نشده و مسیحیت از تمدن غربی منزّه و دور است، به همان صورت که اسلام از آن منزّه و دور است» (صدر، ۱۳۹۵/الف، ص ۷۵).

از نگاه صدر، تمدن غربی نتایج فراوانی در زمینه‌ی علم و فناوری و سازماندهی داشته است. اما سؤالاتی که وی مطرح می‌کند این است که اولاً، آیا غایت تمدن فقط دانش و فناوری و سازماندهی است، یا هدف سعادت‌مند کردن تمام انسان‌ها فارغ از رنگ و نژاد و دین و قاره است؟ البته صدر علوم را وسیله و مقدمه‌ای برای رشد و سعادت بشر می‌داند. سؤال دوم اینکه آیا تمدن جدید توانسته است سعادت را برای انسان محقق کند و انسانیت با رشد این تمدن جدید رشد کرده یا برعکس پژمرده شده است؟

صدر معتقد است با توجه به اینکه هدف و ماده در عالم محدود است، ولی جاه‌طلبی انسان نامحدود است، نتیجه آن در تمدن جدید، تلاش دائم نظری و عملی برای بهره‌کشی و کشمکش در

جوامع خواهد شد؛ بخاطر اینکه مقصود بهره‌مندی از بیشترین حجم از ماده و رسیدن به بالاترین حد رشد است. برای تمدن مادی و سرمایه‌داری که نه هدف برای آن مهم است نه وسیله، آنان فقط در فکر تحمیل نقشه‌های خویش برای رسیدن به منافع خود هستند (صدر، ۱۳۹۵ الف، صص ۷۷ و ۷۸).

۵. جایگاه و منزلت زن به‌عنوان مادر از منظر امام موسی صدر

۵-۱. نقش زن و عاطفه مادری در قوام خانواده و جامعه

از نظر صدر، معیار موفقیت یک جامعه بستگی به زنان آن جامعه دارد؛ زیرا زن عامل استحکام خانواده بوده و یک جامعه موفق و سالم از خانواده‌های سالم تشکیل شده است. وی با تکیه بر اهمیت این بنیاد اجتماعی و تأکید بر اینکه نباید به اشتباه جامعه را مجموعه‌ای از افراد دانست، می‌گوید: «تصویر الگویی که دین می‌پسندد، خانواده است و جامعه از خانواده‌ها و نه افراد شکل یافته است» (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴). بنابراین برای برخورداری از یک جامعه سالم و موفق، باید به موقعیت و جایگاه زنان در آن جامعه توجه کرد و حضور پرمعنا و سازنده او در خانواده به‌عنوان پایه و اساس حیات اجتماعی است.

در پرتو این نگاه، نقش زن در خانواده با انجام امورات زن در خانواده تفاوت بنیادین دارد. زن در خانواده تنها مسئول رسیدگی به امور خانه و خانواده نیست، بلکه مسئولیت تحکیم خانواده را نیز بر عهده دارد. زنان و عاطفه عمیق مادریشان در قوام و استحکام نهاد خانواده نقش اساسی دارد. بخاطر همین، مادری کردن باید در درجه و وظیفه اول زن قرار بگیرد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۹، ص ۵۱۰). بخاطر همین، امام موسی صدر ابعاد فردی و اجتماعی زن را با محوریت نقش زن در خانواده مورد بررسی قرار داده است که استحکام خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین بنیاد اجتماعی مروهون وجود زن است. وی با آوردن شاهد مثالی از فیلسوفان بیان می‌کند که هر چیزی از دو عنصر اصلی «ماده» و «صورت» تشکیل شده است، مثلاً اگر در ساختن یک خانه از بهترین مواد استفاده شود ولی در ترکیب آنها دقت لازم نشود؛ از استحکام لازم برخوردار نخواهد بود؛ از منظر دین هم، جامعه از دو عنصر «ماده» و «صورت» تشکیل می‌شود؛ ماده جامعه، خانواده می‌باشد که شکل‌گیری جامعه به آن وابسته است و صورت جامعه هم ترکیب خانواده‌ها و همکاری، تعاون و ارتباطات اجتماعی بین آنهاست. برای عدم نقص و کمال جامعه، باید خانواده‌ها از استحکام لازم برخوردار

باشند و روابط بین اعضای خانواده عمیق و محکم باشد؛ در غیراینصورت، جامعه هم متزلزل و ضعیف خواهد بود (صدر، ۱۳۹۹، ص ۶۰). لذا نقش اجتماعی زنان باید از منظر ماده تشکیل دهنده جامعه و تأثیر مدیریت مادرانه زنان در خانواده مورد توجه قرار گیرد. جایگاه ویژه زن برخاسته از حضور پرمعنا و سازنده او در خانواده به عنوان پایه و اساس حیات اجتماعی است.

صدر برای تبیین بهتر مقام مادر در خانواده، به گسست عاطفی و فکری نسل جدید اشاره کرده و محرومیت از حس مادری را علت این گسست می‌داند (صدر، ۱۳۹۹، صص ۶۱ و ۲۴۸). بنابراین ترجیح امور خانه و خانواده برای زنان در اسلام، همسو با اثربخشی حضور آنها در خانواده و نقش زنانه آنها بوده و باور به نقش اجتماعی نمی‌تواند مانعی برای فعالیت مختلف زنان در جامعه باشد. هرچند کار زن نباید بر وظایف خانوادگی او تأثیر بگذارد (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۵۵).

۲-۵. تمدن آرمانی مرهون نقش مادری زن

در نقش مادری، زن صاحب حق حیات است؛ چراکه فرزندان خود را متولد می‌کند و با عشقی بی‌بدیل آنها را پرورش می‌دهد، ضمن اینکه مادران بیش از همه، عامل انتقال عناصر هویت ملی و افشاننده بذره‌های ایمان و اخلاق در فرزندان هستند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱). وظیفه مادری، فضیلتی ملکوتی ناشی از عالم قدس است که در وجود انسان تجلی می‌کند و در آن صداقت، مهر و صفا به عالی‌ترین درجه خود می‌رسد. با مادر صفاتی همچون عشق‌ورزی، خلوص، گذشت، دوری از شهرت و آسایش همراه است (برجی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵). بنابراین زن، بنابر خصوصیات جسمی و روحی خود، شایستگی مادری، پرورش و تربیت فرزندان را دارد. اهمیت وظیفه مادری از وظایف حیاتی دیگر کمتر نیست؛ زیرا مادر فرد را که به‌منزله قوام و استحکام جوامع است، تربیت می‌کند. اسلام نیز او را برای پرداختن به این وظیفه تشویق می‌کند (صدر، ۱۳۹۹، صص ۲۱ و ۲۲).

بنابراین میل مادری زن امری فطری است، برخلاف آنچه در فرهنگ اومانیستی معمولاً آن را به اشتباه، یک عقب‌گرد یا نوعی محدود کردن توانایی‌ها تعبیر کرده و خدمت به خانواده می‌دانند. اما آنچه از آن غفلت شده، میل به مادری کردن است که خود زن، در وجود خویش احساس می‌کند. خواسته‌ای که برآمده از نیاز کودک نیست، هرچند پاسخگوی آن است. همچنین حاصل یک نقش اجتماعی نیست، هرچند به واسطه آن حمایت می‌شود؛ بلکه خواسته تثبیت شده اوست. از نظر

صدر، نقش اصلی زن اداره موفق خانواده است اما اداره و حضور موفق زنان در خانواده را نباید خدمت به مردان تلقی کرد، بلکه نقش خانوادگی زن به معنای نقش سازنده و فعال زنان در عرصه حیات اجتماعی است (صدر، ۱۳۹۹، ص ۶۳).

وجه تمایز این نگاه در مقایسه با نگاه‌های دیگر این است که نقش خانوادگی و نقش اجتماعی، در عرض هم در نظر گرفته نشده است تا نقش‌آفرینی در یکی از این عرصه‌ها منجر به محدود شدن نقش‌آفرینی در عرصه‌ی دیگر شود، بلکه این دو در یک رابطه طولی و مکمل همدیگر در نظر گرفته شده‌اند. از منظری دیگر، اصلی‌ترین نقش زن در خانواده مادری است و عاطفه نامحدود مادری و تقویت تربیت خانوادگی و پشتیبانی از آن به‌عنوان دو ویژگی مهم مادری، تفسیرکننده نقش اجتماعی زن است. به همین جهت مادر و مادری کردن، اساس شکل‌گیری هویت خانواده است (افشار طهرانی و علیپور، ۱۳۹۸، صص ۱۵۳).

بنابراین نگاه به نقش مادری زن که تاکنون یک نقش خانوادگی تلقی می‌شد، به‌عنوان یک راهبرد اساسی برای ساختن جامعه از نوآوری‌های امام موسی صدر است. از نظر ایشان، جوامعی که به رنج گسست‌های عاطفی میان‌نسلی دچار آمده‌اند و بحران‌های اخلاقی آنها را مورد هجوم قرار داده است از «حس مادری» و عاطفه مادری محروم بوده‌اند. در این جوامع برخی کوشیده‌اند برای جایگزینی این محرومیت، حس مادری را برای آنها خریداری کنند و با استخدام خدمتکار و یا مؤسسات و یا دایه، حس مادری تشریفاتی را جایگزین حس مادرانه نمایند. ریشه تاریخی «تجاری ساختن» مقام مادر و شکل‌گیری «شرکت‌های گوناگون» برای جایگزین شدن به جای مادر در خانواده موضوع دیگری است که مورد توجه صدر قرار گرفته است. باید توجه داشت که محرومیت خانواده و جامعه از مقام زن و مادر، چالش بزرگ تمدن مادی بشری است (صدر، ۱۳۹۹، صص ۲۴۸-۲۴۶). تا جایی که فمینیسم در محصول تفکر غربی، نه تنها خانواده را به‌عنوان یک نهاد تحقیر کرده‌اند، بلکه ارزش مادری را حاشیه‌ای و غیرمهم تلقی نموده‌اند (صادقی‌فسایی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

از نظر صدر، اینکه در تمدن جدید انسان معاصر به‌ویژه جوان معاصر همواره احساس نگرانی دارد و نمی‌تواند انس، آرامش و امید داشته باشد و گرفتار محنت بی‌ایمانی است، ریشه در این دارد که جوان معاصر چه در غرب و چه در شرق مراقبت خانواده را ازدست داده است. رها شدن

از این محنت که آینده کل تمدن را تهدید می‌کند و برخورداری از ایمان که همان آگاهی است که با باور و اطمینان درونی همراه است، در گرو زنده شدن نقش مادر است. جوانان نیازمندند تا تجلی خدا را ابتدا در مادر خود ببینند و پس از او در پدر و... تا در پرتو آن، به خدا و ارزش‌های والا ایمان بیاورند. در غیر این صورت، ایمان به خدا و امور متناهی ناشی از توهم خواهد بود و اموری فرضی به شمار خواهد آمد (صدر، ۱۳۹۹، صص ۲۰۸-۱۶۱).

نقش‌آفرینی زن در خانواده در قالب مادر و عاطفه مادری، در حقیقت گام برداشتن برای رفع یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های تمدن جدید و حرکت به سوی یک تمدن آرمانی است و بر همین اساس است که می‌توان گفت صدر با تغییر نگاه رابطه عرضی خانواده و جامعه به یک رابطه طولی و تبیین مقام مادری زن در خانواده، در عمل نقش مادری را به‌عنوان یک رکن از ارکان تمدن بالا برده است.

۳-۵. نقش مادر در ایجاد عاطفه انسانی و اجتماعی

انسان عواطف اجتماعی را در کانون خانوادگی از چشمه فیاض پرمحبت مادر می‌گیرد. رمز مهر مادری، تزریق چاشنی محبت به روح فرزند و ایجاد عاطفه انسانی و اجتماعی است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۷).

از دیدگاه امام موسی صدر، اولین کسی که کودک در ابتدای زندگی خود با او مواجه می‌شود، مادرش است. بر پایه شخصیت مادر است که بینش راهبردی و عواطف اصیل کودک و مفهوم هر چیز در طبیعت و فراتر از آن برای او شکل می‌گیرد. وقتی کودک احساس کند مادرش در مادری کردن و نگهداری کردن از او ایثار می‌کند و به خاطر او، خود و خواسته‌هایش را نادیده می‌گیرد، همچنین پدری که به خاطر کودک خود، برای تأمین مخارج، نگهداری و تربیت او فداکاری می‌کند، در این صورت کودک، آدمی می‌شود که به خدای مطلق و بی‌اتها و ارزش‌های والا ایمان دارد و این ایمان در عقل و دل او جای گرفته و ریشه دوانده است؛ چون با چنین مادر و پدری و نیز با ارزش‌ها و جامعه‌ای که چنین مادری نماد آن است، در ارتباط بوده است. بنابراین کودک، با ایمان به الگوهای آرمانی و نیز با یافتن خود در جامعه، رشد و کمال پیدا می‌کند و جزئی از جامعه پدر و مادر و تکمیل‌کننده آن می‌شود (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۶۰).

بنابراین مهر مادری در تکمیل وجود مادر و وجود فرزند هر دو مؤثر است؛ مهر خالص و بی‌شائبه‌ای که مظهر رحمت کامله الهیه است که سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ و اینکه اسماء رحیمیه حاکم بر اسماء قهاریه است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۰). اما اگر مادر بر طبق خصوصیات فوق نباشد، کودک احساس می‌کند که فداکاری و بخشندگی مادر محدود است؛ در این صورت الگوهای آرمانی کودک به هم می‌خورد و طبیعتاً در رشد و کمال او هم تأثیر منفی خواهد داشت و باعث شکل‌گیری شخصیت کودک و جوان به‌صورت محدود و منقطع از گذشته می‌شود. صدر در این زمینه می‌گوید:

«اگر مادر بخشی از توانش را برای کار دیگری صرف کند یا اینکه همه توان خود را صرف امور شخصی کند و دستمزدی به دیگری دهد تا به جای او از کودک نگهداری کند، وقتی کودک مادر خود را این‌گونه بیابد، شکی نیست که [شخصیت او] به‌گونه‌ای دیگر شکل می‌گیرد به‌طوری‌که به ارزش‌ها و آرمان‌هایی که اصلاً آن‌ها را درک نکرده است، ایمان نمی‌آورد و اگر هم ایمان بیاورد، ایمان او سطحی خواهد بود، هرچند مرییان او بسیار تلاش کنند. به این ترتیب، طبیعی است که کودک از مادر و از جامعه جدا می‌شود؛ زیرا پیوند او با مادر، به امری نسبی و محدود تبدیل شده که می‌توان جانشینی برای آن پیدا کرد و همین‌گونه است پدری که نقش پدرانۀ او محدود یا ناقص باشد یا بتوان پول را جانشین آن کرد. این‌ها با رفتار خود فعالانه سبب می‌شوند شخصیت جوانان به‌گونه‌ای محدود و کاملاً بریده از گذشته شکل بگیرد» (صدر، ۱۳۹۹، صص ۱۶۰ و ۱۶۱).

بنابراین امام موسی صدر با این بیان و نظر خود به این نتیجه می‌رسد که کودک به‌شدت نیازمند مادر و مهر مادری است؛ یعنی بهترین روش تربیت فرزند، این است که در آغوش مادر و با استفاده از مهر و محبت او پرورش پیدا کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵). بخاطر همین، صدر به وضعیت جوان در جامعه معاصر اشاره می‌کند که از عاطفه و مهر والدین محروم گشته است و خدا و الگوهای آرمانی را به‌عنوان تکیه‌گاه خود به فراموشی سپرده است یا از آنها غافل شده است:

«جوان چه در غرب و چه در شرق، مراقبت خانواده را از دست داده و خود را تحت سرپرستی خدمتکار یا پرستار می‌بیند؛ او از توجه پدری و عاطفه نامحدود مادری کاملاً محروم است و در جامعه‌ای تاجرپیشه زندگی می‌کند که روی هر چیز، حتی خدمات

دینی، قیمت گذاشته است؛ مطرح نبودن خدا و الگوهای آرمانی در زندگی جوان معاصر به عنوان تکیه‌گاه‌های او، سبب آشفتگی و نگرانی که پیامد بی‌ثباتی و دگرگونی در همه پدیده‌های پیرامون انسان است و موجب ازهم‌گسستگی جامعه و ضعیف شدن روابطی که افراد جامعه را به یکدیگر پیوند می‌دهد، می‌شود» (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۶۲).

منظور امام موسی صدر این است که اگر اوضاع به همین شکل ادامه پیدا کند و والدین و متولیان تربیتی در امر تربیت، تغییر دیدگاه ندهند و الگوهای آرمانی را نادیده بگیرند، مشکل روز به روز حادتر خواهد شد و بحران در نظام خانوادگی و اجتماعی حاکم خواهد شد که نتیجه آن، کودکان و جوانانی فاقد هویت و شخصیت و بدون الگوی آرمانی خواهد بود. بچه‌هایی که از محبت و دامن مادر جدا شده و در پرورشگاه‌ها بزرگ شدند، عقده پیدا می‌کنند و به فساد کشیده می‌شوند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۹۳).

۶. بررسی و نقد تمدن غربی در مسئله زن و مادری

امام موسی صدر با انتقاد از تمدن غربی نسبت به مسئله مادری و زن، به برخی موارد زیر اشاره می‌کند:

۶-۱. وظیفه مادری تحت شعاع دوره جدید تمدنی

احساسات یک مادر نسبت به فرزندش احساساتی بسیار عالی و بسیار با شکوه و عظمت است؛ قانون حکیمانه خلقت این احساسات بسیار شدید را به او داده است؛ برای اینکه نظام امور درست بشود؛ اگر چنین نبود، هیچ مادری بچه خودش را پرستاری نمی‌کرد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۲، ص ۳۲۴). اما تمدن توسعه‌یافته امروزی، متمایل به تضعیف احساسات مادری است (همان، ۱۳۷۶، ج ۱۹، ص ۲۲۵). از نظر صدر، گسست عاطفی و فکری در میان نسل‌های امروزی، محصول و میوه درخت بشر در دوره جدید تمدنی و جوامع مادی‌گراست که جامعه را بر پایه‌های محسوس و ملموس بنا کردند و از ماوراءالطبیعه غافل شدند و این خلأ ایدئولوژیک، خدای دیگری به نام انسان برای آنان پدید آورد که خود را پرستیدند و زندگی را در همین دنیای مادی خلاصه کردند (صدر، ۱۳۹۹، ص ۲۴۶). این خلأ ایدئولوژیکی باعث شد که فمینیسم و برخی دیگر از مکاتب مادی‌گرا، نه تنها خانواده را به عنوان یک نهاد مقدس تحقیر کردند، بلکه ارزش

مادری را یک مسئله حاشیه‌ای و غیرمهم تلقی نموده‌اند (صادقی‌فسایی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

از پیامدهای این تفکر آن بود که مادری که وظیفه مادری را به شکل مطلق و نامحدود انجام می‌داد و بی‌حساب می‌بخشید، به فکر خودش افتاد و شروع به کم‌رنگ کردن بُعد مادرانه خویش کرد و آن را یا بخشی از آن را با وسایل دیگری چون دایه یا خدمتکار یا مؤسسه جایگزین کرد؛ تا جایی که نزدیک بود حس مادری به حسی تشریفاتی و دور از عمل تبدیل شود. مادری حقیقی را خدمتکاری که مزد می‌گیرد انجام می‌دهد. این بدین معناست که مادری کردن به تجارتی تبدیل و محدود شده است. وظیفه مادری به قدری مطلق و نامحدود بود و نسل نو چنان در این محبت و بخشش غوطه‌ور می‌شد، که از جبران عاجز و ناتوان می‌ماند. همه این وظایف امروزه کوچک شده و ابعاد آن محدود شده و در حلقه‌هایی تنگ گرفتار آمده است (صدر، ۱۳۹۹، ص ۲۴۷).

صدر با عبارت فوق به پیامد تجاری‌سازی مادری و تشریفاتی کردن آن‌هم اشاره می‌کند و آن اینکه، نسل جدید که از حس مادری بهره‌ای اندک برده بود یا حس مادری برای او خریداری شده بود، وقتی نوبت به او رسید، برای نسل‌های بعد به همین شکل رفتار کرد و دیگر از خدمت بدون چشمداشت و از محبت بی‌انتهای خداوندی و از عاطفه‌ای عمیق و گسست‌ناپذیر خبری نبود. گرداب زندگی مادی، پدر و مادر و حتی نسل‌های گذشته را در میان امواج خود غرق می‌کند، به‌طوری‌که گویا نسل جدید اصلاً آن‌ها را نمی‌شناسد. بخاطر همین، نسل‌ها از یکدیگر گسستند و پیوند عاطفی و فکری میان آنها بریده شد و گذشته و حال از یکدیگر جدا شدند.

۲-۶. انکار هویت و شخصیت زن با ادعای آزادی زن

از دیدگاه امام موسی صدر، زن به‌عنوان مادر خانواده و جامعه پیش از آنکه وجه زنانگی او مورد توجه قرار گیرد، به‌عنوان یک انسان مدنظر است. وی این دیدگاه را مستند به «منابع آفریدگار و دین» برگزیده است و با قضاوت‌های افراطی مردانه مبتنی «بر زور و قدرت مردانه» و یا قضاوت‌های افراطی زنانه مبتنی بر «از سر ضعف زنانه تن به وضعیت موجود» دادن سخت مخالف است. نگاه انسانی به زن و یکسان شمردن او از منظر انسانیت با مرد، راه را بر هرگونه تبعیض و تحقیر می‌بندد (صدر، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴).

اما فرهنگ غرب و تمدن مدرن در بیشتر موارد، در تبلیغات، کتاب‌ها، مهمانی‌ها و مدها،

اسارت را به زن تحمیل کرده است و باعث تضعیف و انکار هویت و شخصیت و شایستگی‌های زن شده است و این انکار انسانیت زن است، برای اینکه به زن به‌عنوان جنس مؤنث نگاه می‌شود نه به‌عنوان مادر، همسر و دانشمند و کاردان. زن در تمدن غربی، تابلویی هنری است که کارش تحریک شهوت، دلربایی و دلفریبی است. وقتی زن به تابلویی هنری تبدیل شود؛ یعنی، انسانیت و زن بودن او انکار شده، شایستگی‌ها و قابلیت‌هایش در جامعه مورد بی‌توجهی و غفلت واقع شده است (صدر، ۱۳۹۹، صص ۶۹ و ۷۰). بنابراین زن در جوامع مدرن، معنایی جز غریزه جنسی ندارد و ارزش، شایستگی‌ها، علم، قدرت فهم و مقام مادری زن در این جوامع از یاد رفته است. فرهنگ و تمدن مدرن در همه حوزه‌ها؛ یعنی در حرف‌های عاشقانه، در تبلیغات، در تجارت‌ها، در سینماها، نوع لباس و پوشش و ترویج مد، به زن تحمیل کرده که صرفاً یک جنس مؤنث باشد و بس. به نظر می‌رسد ریشه این نوع نگاه به تعبیر شهید مطهری و عیب اساسی فرهنگ و تمدن غربی و سقوط انسانیت در آن، «خودفراموشی» است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۰۶).

در نگاه امام موسی صدر، ریشه تضييع حقوق زنان در تمدن غرب و گسترش طلاق و فروپاشی نهاد خانواده (صدر، ۱۳۹۹، صص ۱۰۷-۵۱). غفلت از وجه انسانی، انکار انسانیت زنان، محدود شدن نگاه‌ها به جنسیت زن و تفاوت او با مرد یعنی وجه زنانگی اوست. محور قرار گرفتن وجه زنانگی زنان، زمینه‌ساز بهره‌برداری از بُعد جسمانی زن و تبدیل شدن وی به یک کالای سودآور تجاری در نظام سرمایه‌داری است. تجارت با بدن عبارتی معنادار در بیانات امام موسی صدر است که از طریق آن چند مفهوم مهم را در نقد نگاه تمدن غرب نسبت به انسان بیان کرده‌اند از جمله: انکار انسانیت زن و برجسته کردن و رشد زنانگی او، تبدیل شدن جذابیت جنسی به معیار حضور اجتماعی، تقلیل عمر زن^۱ و محدود کردن آن به دوران جوانی که زمینه سوءاستفاده از آن فراهم‌تر است، اسیر ساختن زنان در تبلیغات و تجارت و جشن‌ها، کاهش فرصت‌های زن^۲،

۱. تقلیل و تضييع عمر زن؛ یعنی تا زمانی که زن از نظر ظاهری زیبا و جذاب باشد، افراد هوسران به او احترام قائل می‌شوند و به‌محض اینکه زیبایی و جذابیت خود را از دست داد، به دست فراموشی سپرده می‌شود.

۲. تقلیل فرصت‌های زن؛ یعنی زن در دوران جوانی و زیبایی نمی‌تواند از همه فرصت‌های زندگی‌اش بهره‌لزم را ببرد؛ چون کسی که می‌خواهد از نظر مُد در جامعه بهترین و دل‌فرب‌ترین باشد، باید ساعت‌ها برای ظاهر و آرایش خود زمان صرف کند که این منجر می‌شود به اینکه مجالی برای بروز شایستگی‌ها و قابلیت‌های دیگر او وجود نداشته باشد (صدر، ۱۳۹۹، صص ۷۱-۷۰).

افزایش قیدوبندها تحت نام آزادی، تکیه بر زیبایی و تحریک‌کنندگی زنان، محدود شدن شایستگی زنان به مسائل جنسی، آشکار ساختن زیبایی زنان تنها برای بهره‌مندی مردان، تبدیل شدن به عنصری برای خدمت به مردان، تبدیل شدن «ارزش شایستگی‌ها و علم و قدرت فهم و مقام مادری» به یک حقیقت فراموش شده و انکار نقش زن به عنوان یک رکن تمدن، تبدیل کردن زنان به یک نگاره هنری و یا تابلویی زیبایی برای مردان تا با چشمان و قلب‌های بیمارشان از جسمانیت زنان لذت ببرند.

امام موسی صدر با تأکید بر این که حقیقت زن تشکیل شده از جسم و روح است، زنان را خطاب قرار می‌دهد و از آنها می‌پرسد که چرا می‌پذیرند تنها در یک بُعد و جنبه جسمی محدود شوند؟ و حال آن‌که زن در جامعه انسانی باید بیرون از خانه در نقش انسانی با کفایت ظاهر شود (صدر، ۱۳۹۹، صص ۷۶ و ۸۳).

نتیجه‌گیری

صدر زن را در مقام مادر، رکن اصلی خانواده و اجتماع می‌داند. وی مسئولیت تحکیم خانواده و موفقیت نهاد خانواده را به عنوان یک مسئولیت اجتماعی، بر عهده‌ی زن می‌داند و بر همین اساس، تحول و تعالی جامعه به سوی کمال، به واسطه مقام زن و توانایی مادرانه اوست. اما در تمدن عصر حاضر، با خریداری حس مادری برای کودکان خود و با استخدام خدمتکار و یا مؤسسات و یا دایه، سعی می‌کنند حس مادری تشریفاتی را جایگزین حس مادرانه کنند. در حقیقت انکار یا غفلت از ساحت قدسی زن و مادر در سایه‌ی اومانیزم و مکاتب غربی بوده که زمینه‌ساز تخریب جایگاه والای زن بر پایه لذت فردی شده که به تبع آن شاهد ازهم‌گسیختگی خانواده، تقدس‌زدایی از نقش انسان‌ساز مادر، افزایش طلاق و کاهش ازدواج و ترغیب به همجنس‌گرایی هستیم. بنابراین در منظومه‌ی فکری امام موسی صدر، مادر، مفهومی محدود به خانواده نیست بلکه یک مقام هدایت برای جامعه است. نقش‌آفرینی زن در خانواده در قالب مادر و عاطفه مادری، در حقیقت گام برداشتن برای رفع یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های تمدن جدید و حرکت به سوی یک تمدن آرمانی است و بر همین اساس است که می‌توان گفت صدر با تغییر نگاه رابطه عرضی خانواده و جامعه به یک رابطه طولی و تبیین مقام مادری زن در خانواده، در

عمل نقش مادری را به عنوان یک رکن از ارکان تمدن بالا برده است. اما محرومیت خانواده و جامعه از ظرفیت و جایگاه واقعی زن و مادر و تربیت دینی او، چالش بزرگ تمدن مادی بشری است. رها شدن از این محنت و چالش بزرگ که آینده کل تمدن را تهدید می کند، در گرو زنده شدن نقش مادر و تربیت مادرانه او بر اساس اصول دینی و قرآنی است.

منابع

- احمدپور، ع.، و فتحی، ا. (۱۴۰۳). جایگاه انسان شناختی واقع گرایانه زن در اسلام و تمدن غرب از دیدگاه امام موسی صدر. اسلام و مطالعات اجتماعی. ۱۱(۴)، ۶۵-۹۴.
https://jiss.isca.ac.ir/article_75770.html
- ابن شعبه حرانی، ح. (۱۴۰۴). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- افشارطهرانی، آ.، و علیپور، ف. (۱۳۹۸). دیدگاه تمدن نوین اسلام و فمینیسم در مورد جایگاه مادر در خانواده با توجه به آیات و روایات. مجله سفینه. شماره ۶۴، ۱۴۹-۱۵۷.
<https://ensani.ir/file/download/article/1582027366-9849-64-8.pdf>
- برجی نژاد، ز. (۱۳۸۹). نقش مادر در تربیت فرزند. مجله طهورا. شماره ۶، ۱۸۳-۲۱۰.
<https://ensani.ir/file/download/article/20120329150616-5039-35.pdf>
- خامنه ای، س.ع. (۱۳۷۵). بیانات در اجتماع زنان خوزستان.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284>
- خامنه ای، س.ع. (۱۴۰۱). دیدار افشار مختلف بانوان با رهبر انقلاب.
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=51647>
- خسروپناه، ع. (۱۳۹۰). جریان شناسی ضد فرهنگ ها. قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
- خمینی، ر. (۱۳۷۸). صحیفه امام (ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دمارنف، د. (۱۳۸۹). غریزه مادری در مورد فرزندان. عشق و زندگی معنوی. ترجمه آزاده وجدانی. قم: نشر معارف.
- ریتزر، ج. (۱۳۸۷). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- صادقی فسایی، س. (۱۳۸۴). چالش فمینیسم با مادری. مجله مطالعات راهبردی زنان. شماره ۲۸،
<https://www.magiran.com/p290979>

- صدر، م. (۱۳۹۵ب). *انسان آسمان*. ترجمه احمد ناظم. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، چاپ چهارم.
- صدر، م. (۱۳۹۱). *سفر شهادت*. ترجمه مهدی فرخیان و احمد ناظم، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، م. (۱۳۹۴). *نای و نی*. ترجمه علی حجتی کرمانی. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، چاپ سوم.
- صدر، م. (۱۳۹۵الف). *ادیان در خدمت انسان*. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، چاپ چهارم.
- صدر، م. (۱۳۹۸). *دین در جهان امروز*. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، چاپ دوم.
- صدر، م. (۱۳۹۹). *زن و چالش‌های جامعه*. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر، چاپ سوم.
- صدر، م. (۲۰۰۰م). *مسیره‌الامام/السید موسی الصدر*. اعداد و توثیق: یعقوب ضاهر، بیروت: دار بلال.
- فرخیان، م. (۱۳۸۵). اندیشه ربوده شده: گفتارهای صاحب نظران ایرانی و غیرایرانی درباره امام موسی صدر. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- فریدمن، ج. (۱۳۸۱). *فمینیسم*. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: آشیان، چاپ چهارم.
- لک‌زایی، ش. (۱۴۰۲). *چپشی تمدن غرب در آرای امام موسی صدر*. دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی. ۶(۲)، ۱-۲۴.
<https://doi.org/10.22070/NIC.2024.18525.1274>
- مصاحب، غ. (۱۳۸۰). *دائرة المعارف فارسی*. تهران: امیر کبیر.
- مطهری، م. (۱۳۷۶). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. تهران: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۷۷). *یادداشت‌های استاد مطهری*. تهران: صدرا.
- میرزاده‌احمدی‌گلو، ف. (۱۴۰۳). *تربیت سیاسی و تبیین نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی*: بسترها و موانع. دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی. ۷(۱)، ۲۷۹-۳۰۶.
<https://doi.org/10.22070/NIC.2024.17943.1255>
- یوسفیان، ح. (۱۳۹۰). *کلام جدید*. تهران: انتشارات سمت.

References

- Ahmadpour, A., Fathi, A. (2024). *The realistic anthropological position of women in Islam and Western civilization from the perspective of Imam Musa Sadr*. Islam and social studies. 11(4), 65-94.
https://jiss.isca.ac.ir/article_75770.html [In Persian].
- Ibn Shuba Harrani, h. (1983). *Tohaf ul oghool*. Edited by Ali Akbar Ghaffari. Qom: Jamia Modaresin, second edition. [In Arabic].
- Afshar Tahrani, A., Alipour, F. (2018). *The view of the modern civilization of Islam and feminism regarding the position of the mother in the family according to verses and traditions*. Ship magazine. No. 64, 149-157.
<https://ensani.ir/file/download/article/1582027366-9849-64-8.pdf.pdf> [In Persian].
- Borjinjad, Z. (2009). *Mother's role in raising children*. Tahura magazine. No. 6. 183-210.
<https://ensani.ir/file/download/article/20120329150616-5039-35.pdf> [In Persian].
- Khamenei, S.A. (1996). *Statements in Khuzestan women's community*.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7284> [In Persian].
- Khamenei, S.A. (2022). *The meeting of different classes of women with the leader of the revolution*. <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=51647> [In Persian].
- Khosropanah, A. (2012), *Flowology of Countercultures*. Qom: Islamic Education and Training. [In Persian].
- Khomeini, R. (1999). *Imam Khomeini's (RA) Sahifeh*. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. [In Persian].
- Demarnev, D. (2009). *Mother's instinct about children. Love and spiritual life*. Free and conscientious translation. Qom: Maaref Publishing. [In Persian].
- Ritzer, J. (2008). *Sociological theory in the contemporary era*. Translated by Mohsen Salasi. Tehran: Scientific Publications. [In Persian].
- Sadeghi Fosaei, S. (2004). *The challenge of feminism with motherhood*. Women's Strategic Studies Journal. No. 28, 19-43.
<https://www.magiran.com/p290979> [In Persian].
- Sadr, M. (2015b). *man of the sky*. Translated by Ahmad Nazim. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 4th edition. [In Persian].

- Sadr, M. (2011). *martyrdom journey*. Translated by Mehdi Farkhian and Ahmad Nazim. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian].
- Sadr, M. (2014). *Reeds and Reeds*. Translated by Ali Hojjati Kermani. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. third edition. [In Persian].
- Sadr, M. (2015A). *Religions in the service of man*. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 4th edition. [In Persian].
- Sadr, M. (2018). *Religion in the world today*. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, second edition. [In Persian].
- Sadr, M. (2019). *Women and society's challenges*. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, third edition. [In Persian].
- Sadr, M. (2000 AD). *Masirat ul Imam al-Sayyid Moussa al-Sadr*. Numbers and authentication: Yacoub Zaher, Beirut: Dar Bilal. [In Persian].
- Farkhian, M. (2006). Kidnapped Thought: Speeches of Iranian and non-Iranian experts about Imam Musa Sadr. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian].
- Friedman, J. (2001). *Feminism*. Translated by Firzoh Mohajer. Tehran: Ashian, 4th edition. [In Persian].
- Lakzai, SH. (2023). *What is Western civilization in Imam Musa Sadr's opinion*. Biannual scientific journal of fundamental studies of modern Islamic civilization. 6(2), 1-24.
<https://doi.org/10.22070/NIC.2024.18525.1274> [In Persian].
- Musaheb, G.H. (2010). *Persian encyclopedia*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian].
- Motahari, M. (1376). *A collection of works by master Shahid Motahari*. Tehran: Sadra. [In Persian].
- Motahari, M. (1377). *Professor Motahari's notes*. Tehran: Sadra. [In Persian].
- Mirzazadeh Ahmad Bigelow, F. (2024). *Political education and explanation of its role in modern Islamic civilization: platforms and obstacles*. Biannual scientific journal of fundamental studies of modern Islamic civilization. 7(1), 279-306. <https://doi.org/10.22070/NIC.2024.17943.1255> [In Persian].
- Yusefian, H. (2010). *New word*. Tehran: Samt Publications. [In Persian].